فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، پیاپی ۴
صفحات ۱۴-۱

نقش عضویت در تشکل‌های روستایی بر سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی

فرحناز رستمی*، عضو هیات علمی گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه
وحید علی‌آبادی، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سارا بقایی،کارشناس ارشد توسعه روستایی، گرایش توسعه اجتماعی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۱۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۴/۹

چکیده

تحقیق تحلیلی –مقایسه ای حاضر با هدف کلی بررسی تاثیر عضویت در تشکل های روستایی بر سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را ۵۰۰۰ نفر از زنان روستایی در شهرستان کنگاور واقع در استان کرمانشاه تشکیل دادند. با استفاده از جدول بارتلت حجم نمونه ۳۸۰ نفر تعیین شد. به منظور نمونه گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از محاسبات آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، نما و ...) و استنباطی (آزمون t مستقل، تحلیل مقایسه ای وضعیت سرمایه اجتماعی با استفاده از معیار ISDM و آزمون یومان ویتنی) انجام شد. بر اساس یافته‌های تحقیق سطح سرمایه اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه در حد متوسط بود. اختلاف معنی‌داری در سطح ۵ درصد بین سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان عضو و غیر عضو تشکل های روستایی وجود داشت. یافته ها بیانگر این نتایج بود که بها دادن به زندگی و ظرفیت پذیرش تفاوت ها در میان زنان عضو تشکل های روستایی نسبت به دیگر مولفه های سرمایه اجتماعی از میانگین بیشتری برخوردار بود. در حالی که در بین زنان غیر عضو پیوند های کاری از میانگین بیشتری برخوردار بود.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، تشکل‌های روستایی، زنان روستائی.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۳۳۹۵۷۵۳ Email:far304@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱)مقدمه

وجود سرمایه اجتماعی در جوامع کشاورزی یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. بدون دستیابی به حد مطلوبی از این سرمایه هیچ کدام از ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست - محیطی پایداری توسعه به‌طور کامل محقق نخواهد شد. لذا توجه به این موضوع مهم در مباحث توسعه پایدار، به ویژه توسعه پایدار کشاورزی و روستایی حایز اهمیت است. از طرفی مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه و به طبع آن در ایران به طور قابل توجهی کمیاب هستند (پورطاهری،۱۳۸۹). مطالعات کیفیت زندگی میتواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم از شرایط زندگی، اولویت های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. در این راستا سانتوس و مارتینز اشاره می کنند که مشارکت اجتماع محلی در مطالعات کیفیت زندگی می تواند پشتیبان مهمی برای تعیین سیاست‌ها و اهداف بلند مدت در برنامه‌ریزی‌ها باشد (Santos & Martins, 2007). از این رو در پژوهش حاضر موضوع مورد بررسی، سنجش میزان تاثیر عضویت در تشکل‌های روستایی بر سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه است. با توجه به جایگاه زنان روستایی در توسعه و اهمیت مشارکت آنان در کنار جایگاه سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع و ارتباط تنگاتنگ این نوع از سرمایه با میزان کیفیت زندگی افراد مختلف از جمله زنان و جایگاهی که تشکل های روستای بر اساس مطالعات مختلف در بهره وری بیشتر اعضا وتسریع دست یابی به توسعه روستایی دارند، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا عضویت در تشکل های روستایی بر میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی تاثیری دارد؟ هدف کلی این پژوهش، بررسی میزان تاثیر عضویت در تشکل های روستایی بر سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی است. لذا برای دستیابی به هدف کلی پژوهش، دستیابی به اهداف اختصاصی زیر ضروری است:

- سنجش سطح سرمایه اجتماعی زنان عضو و غیر عضو در تشکل های روستایی.
- سنجش میزان کیفیت زندگی زنان عضو و غیر عضو در تشکل های روستایی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- مقایسه میانگین سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی عضو و غیر عضو تشکل های روستایی.

۲) مبانی نظری

زنان روستایی نیمی از جمعیت فعال و در عین حال آسیب‌پذیر جوامع روستایی را به خود اختصاص می‌دهند و این در حالی است که بسیاری از آنها به حداقل امکانات زندگی و تسهیلات رفاهی دسترسی ندارند. مطالعات جتی(۲۰۰۸)، یدهو (۲۰۰۷)، بالا و شارام (۲۰۰۵)، سیهان وهمکاران (۲۰۰۰) و ازکان و همکاران (۲۰۰۱) نشان میدهند که زنان روستایی بیشتر از مردان در فعالیتهای کشاورزی مشارکت دارند و نیروی کار اصلی این فعالیتها را تشکیل میدهند. امروزه اهمیت مشارکت زنان روستایی به گونه‌ای است که بدون حضور آنان امکان دستیابی به توسعه‌ی روستایی و کشاورزی ناممکن است (حسینی نیا،۱۳۷۸؛ رضائی،۱۳۸۳؛ زرافشانی،۱۳۸۸ و علی بیگی،۱۳۸۸). نکته قابل تامل این است که در بین تعداد زیاد تحقیقاتی که به زنان روستایی اختصاص پیدا کرده است به میزان خیلی محدود به تاثیر عضویت در تشکل‌های روستایی در سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی پرداخته شده است. سرمایه اجتماعی بستر مناسبی برای بهره‌برداری سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و راهی برای موفقیت یک جامعه محسوب می‌شود (صدیق‌بنای، ۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی جهت کنش جمعی تلقی می‌گردد (ازکیا و فیروآبادی، ۱۳۸۳). بر اساس دیدگاه پال، کیفیت زندگی نیز به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی - روانی و مادی جامعه تعریف گردیده و در این زمینه از کیفیت زندگی روستایی نیز به مفهوم چگونگی شرایط و وضعیت زندگی خانواده های روستایی یاد شده است (Pal & et al 2005) . عضویت در سازمان‌های اجتماعی موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود (Cramb, 2004) .ازکیا و فیروزآبادی (۱۳۸۳)، به این نتیجه رسیدند که سطح سرمایه اجتماعی اعضای تعاونی‌ها اثر مثبتی بر تصمیم گیری بهتر و افزایش مشارکت اعضا دارد. فوکویاما (۱۳۸۴) معتقد است که سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

همکاری بین دو یا چند نفر می شود. پاتنام(۱۳۸۰)، معتقد است که همکاری گروهی بین افراد در شکل‌های مختلف اجتماعی، سبب رسیدن به سود متقابل می‌شود. نتایج تحقیقات آلانگ (۲۰۰۰)، پاتنام (۲۰۰۰) و کوثری (۱۳۷۷) گویای آن است که عضویت در تعاونی‌ها سبب افزایش سرمایه اجتماعی می شود. گروتارت (۲۰۰۰) به این نتیجه رسید که مشارکت در انواع تشکل‌ها و انجمن‌ها می تواند تاثیرات مثبتی بر وضع رفاهی و معیشتی خانوارهای روستایی داشته باشد. در مقابل همگان هدف نهائی انواع توسعه را افزایش کیفیت زندگی می دانند. بانک جهانی، توسعه به خصوص توسعه اجتماعی را در ابعادی هم چون ریشه کنی فقر، اشتغال، انسجام اجتماعی، دسترسی به آموزش و پرورش و بهداشت عمومی می‌داند (بانک جهانی،۲۰۰۴). تمام این شاخص‌ها به نوعی شاخص کیفیت زندگی می‌باشند. بسیاری از صاحب نظران شاخص توسعه انسانی را همان شاخص کیفیت زندگی می‌دانند، بنابراین مفاهیم توسعه و کیفیت زندگی بسیار به هم نزدیک هستند. در میان سرمایه ها، سرمایه اجتماعی ویژگی خاصی دارد. سرمایه اجتماعی فرد در واقع ارزش و جایگاه او در شبکه های اجتماعی گوناگون است. از طرفی همین جایگاه فرد در شبکه های گوناگون اجتماعی است که میزان بهره وری را از کیفیت مطلوب زندگی مشخص می کند (نوغانی، ۱۳۸۸). در خصوص ارتباط دو مفهوم سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، تحقیقات متعددی در نقاط مختلف جهان صورت پذیرفته است که گویای رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی افراد می باشد. از جمله مطالعات زاهدی (۱۳۸۷)، شادی طلب (۱۳۸۷)، غفاری (۱۳۸۵)، ماجدی (۱۳۸۵)، ماریافرانکو (۲۰۰۶) پکوتیا (۲۰۰۳) و ریکرو همکاران (۲۰۰۸) اشاره کرد. تشکل‌های زنان روستایی می تواند شرایط را به نحوی مساعد و مهیا سازد که اعضای آن‌ها به زنان توسعه یافته و چند بعدی تبدیل شوند . این تشکل‌ها می توانند زمینه ساز افزایش سرمایه اجتماعی و به طبع کیفیت زندگی زنان روستایی شوند.

۳)روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود و از نظر هدف، کاربردی است. از روش تحلیلی – مقایسه ای استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

زنان روستایی شهرستان کنگاور تشکیل دادند که به فعالیت‌های کشاورزی مشغول هستند و محل سکونت آنها با مرکز شهرستان حداقل ۱۰ کیلومتر فاصله دارد. تعداد این افراد بر اساس آخرین آمار مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان کنگاور یعنی خرداد ماه ۱۳۹۰، ۵۰۰۰ نفر بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت ۳۸۰ نفر تعیین شد. در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد. ابزار اصلی تحقیق در مرحله میدانی پرسشنامه بوده است. سئوال‌های پرسشنامه شامل دو بخش بود : سئوالهای بخش اول را ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای روستاییان و بخش دوم را مقیاس سنجش سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی تشکیل دادند. شاخص‌ها و مقوله‌های مورد نظر برای سنجش سرمایه اجتماعی عبارت بودند از : مشارکت در اجتماع محلی، عمل‌گرایی در بافت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت اجتماعی، پیوندهای همسایگی، پیوندهای دوستی و خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی و پیوندهای کاری. در این بخش پرسشنامه استاندارد بولن و اونیکس (۲۰۰۰) و علی بیگی و علی آبادی (۱۳۸۸)، مبنای کار قرار گرفت و متناسب با ویژگی‌های زنان کشاورز تعدیل و متناسب‌سازی گردید. برای سنجش کیفیت زندگی از پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی استفاده شد. شکل اولیه ی این پرسشنامه شامل ۷۰ گویه است که پس از به دست آوردن روایی وپایائی به ۶۱ گویه ی کاهش یافت. این ابزار در بیش از ۱۵ کشور جهان به طور هم زمان طراحی و به زبان های متفاوت مورد استفاده می‌باشد (بلداجی،۱۳۸۹). برای رسیدن به پرسشنامه‌ای که به کمک آن بتوان با زنان روستایی ارتباط برقرار کرد، روایی ظاهری و محتوای آن توسط مدیران سازمان‌های مختلف کشاورزی استان کرمانشاه از جمله کارشناسان اداره کل ترویج و آموزش کشاورزی استان و اعضای هیات علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی و اعضای هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه رازی مورد تایید قرار گرفت، به گونه‌ای که پس از مطالعه عمیق سئوالات و گویه‌های پرسشنامه، نظرات اصلاحی خود را اعلام و پس از مصاحبهٔ حضوری با این افراد، بحث و بررسی در مورد دیدگاه‌های مطرح شده، اصلاحات ضروری انجام شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بنابراین، تعداد ۳۰ نسخه از پرسشنامه توسط بخشی از جامعه آماری تحقیق تکمیل شد و پس از داده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

پردازی، ضریب آلفای‌کرونباخ برای گویه‌ها و سئوالات پرسشنامه محاسبه گردید. میزان این ضریب که در اصل، میزان پایایی ابزار را مشخص می‌کند، ۸۱ /۰ به‌دست آمد. پس از جمع آوری داده‌ها، عملیات کدگذاری، استخراج اطلاعات و انتقال آنها بر روی رایانه صورت پذیرفت. به منظور فرآیند داده‌پردازی، محاسبات آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، نما و ...) و استنباطی (آزمون t مستقل، تحلیل مقایسه ای وضعیت سرمایه اجتماعی با استفاده از معیار ISDMو مقایسه دیدگاه زنان عضو و غیر عضو تشکل های روستای نسبت به کیفیت زندگی با استفاده از آزمون یومان وایتنی)، با استفاده از برنامه SPSSwin15 انجام گردید.

۴) یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۱، ۶۰ درصد زنان روستایی بی‌سواد یا سوادی در حد خواندن نوشتن دارند. پراکنش سنی زنان روستائی مورد مطالعه گویای آن است که قریب به ۴۸ درصد آنان، در محدوده سنی در حد ۳۰ تا۴۰ سال دارند.

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سواد

متغیر	سطح متغیر	درصد	فراوانی*	درصد تجمعی
سواد	بی سواد	۳۶/۲۲	۱۳۷	۳۶/۲۲
	در حد خواندن و نوشتن	۱۰/۳۸	۴۰	۴۶/۵۹
	دیپلم	۴۷/۱۹	۱۷۹	۹۳/۷۹
	بالاتر از دیپلم	۶/۲۱	۲۴	۱۰۰
	جمع	۱۰۰	۳۸۰	-
سن	سن	درصد	فراوانی**	درصد تجمعی
	کمتراز ۳۰	۱۸/۴۲	۷۰	۱۸/۴۲
	۳۰-۴۰	۴۷/۳۶	۱۸۰	۶۵/۷۸
	۴۰-۵۰	۲۰/۵۲	۷۸	۸۶/۳
	بالاتر از ۵۰	۱۳/۷	۵۲	۱۰۰
	-	۱۰۰	۳۸۰	جمع

ماخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱ *مد :دیپلم **مد ۳۰- ۴۰ سال

جدول شماره ۲، وضعیت موجود مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. این مؤلفه‌ها

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شامل احساس امنیت و اعتماد، مشارکت در اجتماعات محلی، عمل‌گرایی در بافت اجتماعی، پیوندهای همسایگی، دوستی و روابط خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندهای کاری و بها دادن به زندگی هستند . پرسشنامه به کار گرفته شده در این پژوهش شامل ۷۰ سوال می-باشد که این ۷۰ سوال در مجموع با استفاده از کلید پرسشنامه ۸ متغیر اصلی سازنده سرمایه اجتماعی را شکل می دهد. از بین مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی، میزان بها دادن به زندگی و پذیرش تفاوت‌ها بیش از سایر مؤلفه‌ها سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی عضو تشکل‌ها وجود دارد. درحالی‌که مولفه پیوند کاری و روابط همسایگی در مقایسه با دیگر مؤلفه های سرمایه اجتماعی در بین زنان روستائی غیر عضو از میزان بیشتری برخوردار می‌باشد.

جدول شماره (۲): وضعیت موجود مؤلفه‌های شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی زنان عضو و غیر عضوتشکل های روستایی

مؤلفه‌ها	عضو			غیر عضو		
	میانگین	انحراف‌معیار	اولویت	میانگین	انحراف‌معیار	اولویت
بها دادن به زندگی	۳/۷۳	۰/۹۳	۱	۳/۱۴	۰/۹۳	۵
ظرفیت پذیرش تفاوت ها	۳/۵۳	۰/۹۶	۲	۲/۴۶	۱/۰۹	۷
عمل‌گرایی در بافت اجتماعی	۳/۸۴	۰/۹۷	۳	۲/۸۷	۱/۰۵	۶
احساس امنیت و اعتماد	۳/۲۴	۰/۹۶	۴	۳/۲۴	۱/۰۶	۴
مشارکت در اجتماعات محلی	۲/۶۸	۱/۰۳	۵	۳/۳۳	۱/۰۴	۳
روابط همسایگی	۲/۰۸	۱/۰۸	۶	۳/۸۱	۱/۰۸	۲
پیوند های کاری	۲/۷۶	۱/۰۱	۷	۳/۸۸	۰/۹۷	۱
دوستی و روابط خانوادگی	۲/۷۱	۱/۰۶	۸	۲/۳۸	۱/۰۳	۸

ماخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱

به منظور بررسی وضعیت سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان روستایی مورد مطالعه، پس از جمع جبری گویه‌ها، بر اساس فاصله انحراف‌معیار از میانگین یا معیار ISDM استفاد شد (گنگاهارپا و همکاران، ۲۰۰۷).

در سطح نامطلوبD<M-1/2SD :

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در سطح نسبتا مطلوب M-1/2SD ≤D≤ M+1/2SD :

در سطح مطلوب D> M+1/2SD :

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی زنان عضو و غیر عضو

غیر عضو			عضو			
درصدتجمعی	درصد	فراوانی	درصدتجمعی	درصد	فراوانی	سطح سرمایه اجتماعی
۳۲/۷۲	۳۲/۷۲	۷۲	۱۳/۷۵	۱۳/۷۵	۲۲	کم
۸۵/۹	۵۳/۱۸	۱۱۷	۵۱/۸۷	۳۸/۱۲	۶۱	متوسط
۱۰۰	۱۴/۰۹	۳۱	۱۰۰	۴۸/۱۳	۷۷	زیاد
-	۱۰۰	۲۲۰	-	۱۰۰	۱۶۰	جمع

ماخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱

نتایج جدول ۳ گویای آن است که نزدیک به ۴۸ درصد زنان عضو تشکل های روستایی از سرمایه اجتماعی در حد بالایی برخوردار هستند. در حالی که تنها ۱۴ درصد زنان غیر عضو از سرمایه اجتماعی در حد بالا برخوردار می باشند، از نتایج می توان چنین نتیجه گرفت که زنانی که عضو تشکل های روستایی هستند از میزان سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار می باشند.

جدول شماره (۴): توصیف سطح کیفیت زندگی زنان عضو و غیر عضو تشکل‌های روستایی

غیر عضو			عضو			
درصدتجمعی	درصد	فراوانی	درصدتجمعی	درصد	فراوانی	میزان کیفیت زندگی
۳۲/۷۲	۳۲/۷۲	۷۲	۱۱/۵۷	۱۵/۶۲	۲۵	کم
۸۳/۶۲	۵۰/۹	۱۱۲	۵۹/۴۶	۴۰/۶۲	۶۵	متوسط
۱۰۰	۱۶/۳۶	۳۶	۱۰۰	۴۳/۷۵	۷۰	زیاد
-	۱۰۰	۲۲۰	-	۱۰۰	۱۶۰	جمع

ماخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱

بررسی میزان کیفیت زندگی زنان عضو و غیر عضو گویای آن است که نزدیک به ۴۳ درصد زنان عضو از کیفیت زندگی در حد بالا و زیاد برخوردار هستند. در حالی که تنها ۱۶ درصد از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

زنان غیر عضو از کیفیت زندگی در حد بالا و زیاد برخوردار می باشند. ساختار پرسشنامه به شکلی می باشد که با استفاده از متغیر های فاصله‌ای میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی را می سنجد. به همین دلیل با استفاده از آزمون t مستقل میانگین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان عضو و غیر عضو تشکل های روستایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج گویا آن است که اختلاف معنی‌داری در سطح پنج درصد بین میانگین گروه عضو و غیرعضو مذکور از نظر سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی وجود دارد.

جدول شماره (۵): مقایسه میانگین سطح سرمایه اجتماعی زنان عضو وغیر عضو تشکل های روستایی

متغیر مورد مطالعه		میانگین	انحراف‌معیار	Sig.
سرمایه اجتماعی	عضو	۵۲/۱۷	۱۵/۴۶	*
	غیرعضو	۴۵/۲۱	۱۲/۴۵	

$\mu^{*} \geq$ ۰/۰۵

جدول شماره (۶): مقایسه میانگین میزان کیفیت زندگی زنان عضو غیر عضو تشکل های روستایی

متغیر مورد مطالعه		میانگین	انحراف‌معیار	Sig.
کیفیت زندگی	عضو	۳۸/۱۴	۲۱/۱۴	*
	غیرعضو	۳۲/۵۱	۱۸/۲۴	

$\mu^{*} \geq$ ۰/۰۵

جدول ۷ نتایج حاصل از مقایسه میانگین زنان عضو و غیر عضو تشکل های روستای نسبت به کیفیت زندگی را با استفاده از آزمون یومان ویتنی نشان می دهد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۷): مقایسه دیدگاه زنان عضو و غیر عضو تشکل های روستای نسبت به کیفیت زندگی

کیفیت زندگی	گروه های مورد مطالعه			
	زنان غیر عضو	زنان عضو	U	Sig
	میانگین رتبه ای	میانگین رتبه ای		
وجود آرامش خاطر در زندگی	۶۲/۴۶	۴۹/۴۰	۳/۴۲	*۰/۰۳۳
ارزش قائل بودن برای افراد خانواده	۶۰/۷	۵۳	۲/۴۹	۰/۵۳۱
احساس رضایتمندی از انجام امور روزمره	۶۳/۳۴	۴۹/۵	۳/۴۳۴	۰/۱۸۰
ابراز محبت به اطرافیان	۵۴/۳	۵۵/۷	۰/۱۳۴	۰/۹۳۵
شرکت در مراسمات جمعی	۶۱/۵۶	۵۱/۰۷	۰/۲۸۹	۰/۳۱۸
کمک به انجمنهای خیریه	۵۴/۸۶	۵۰/۲۹	۰/۳۰۳	۰/۸۶۰
آموزش در راستای نیازمندی های زندگی	۶۷/۳۸	۵۰/۲	۲/۱۰۱	*۰/۰۱۸
اختصاص ساعاتی از روز به امور شخصی	۶۷/۶	۴۷/۷	۳/۱۳۱	*۰/۰۳۷
رضایتمندی از جایگاه اجتماعی نسبت به سطح توانمندیهای فردی	۴۴	۳۹/۶	۱۱/۷۱۵	۰/۱۲۰
سازگاری با شرایط مادی موجود	۴۱/۸	۵۰/۶	۴/۰۴۰	۰/۰۸۷
ارتباط با بستگان	۶۰/۳	۵۷/۶	۲/۸۵	۰/۲۴۰
شرکت در کلاسهای آموزشی به منظور ارتقاء سطح مهارتهای فردی	۶۲/۴۶	۴۸/۴۰	۵/۲۲	*۰/۰۱۲
احساس مسئولیت بیشتر در زندگی مشترک نسبت به همسر	۶۰/۷	۵۵	۲/۴۹	۰/۵۳۱
اولویت بندی در بودجه بندی درآمد خانوار	۶۳/۳۴	۵۲/۵	۳/۴۳۴	۰/۱۸۰
مراجعه به پزشک برای تست سلامتی به طور مرتب	۵۴/۳	۵۵/۷	۰/۱۳۴	۰/۹۳۵
ارتباط و دید و بازدید منظم از بستگان	۵۴/۳	۵۱/۷	۱/۱۳۴	۰/۴۳۵

ماخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱

نتایج گویای آن است که بین دیدگاه زنان روستایی عضو و غیر عضو نسبت به مولفه هایی مانند؛ وجود آرامش خاطر در زندگی، آموزش در راستای نیازمندی های زندگی، اختصاص ساعاتی از روز به امور شخصی و شرکت در کلاسهای آموزشی به منظور ارتقاء سطح مهارتهای فردی، اختلاف معنی داری وجود دارد.

۵)نتیجه‌گیری

اکثر افراد مورد مطالعه دارای سن نسبتا بالا، بی‌سواد و یا سوادی در سطح ابتدایی هستند. ویژگی‌های بیان شده مهم‌ترین مؤلفه‌های فردی روستاییان در منطقه مورد مطالعه می‌باشد و از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

آنجایی که این ویژگی‌ها ثابت و تغییرناپذیر هستند، می‌توان آنها را به عنوان موانعی در برابر پذیرش برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی دانست که باعث ایجاد نوعی مقاومت در برابر پذیرش این برنامه‌ها می‌شود. برای کاهش این مقاومت باید با دیدی سیستمی به مسئله پذیرش نگاه کرد و به سمت فاکتورهای مؤثر و تغییرپذیر مانند سرمایه اجتماعی حرکت نمود (فیروزجایی،۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی در بین زنان روستائی مورد مطالعه در شهرستان کنگاور به طور کلی در حد نسبتا مطلوب و متوسط می‌باشد. با این تفاوت که زنان عضو تشکل های روستایی از سرمایه اجتماعی در حد بالاتری برخوردارند. زنان عضو تشکل های روستایی بیشتر به زندگی بها می دهند و ظرفیت پذیرش تفاوت های موجود از جمله عضویت در تشکل های روستایی را نسبت به زنان غیر عضو دارند. این مولفه سبب می شود که این زنان در بافت های اجتماعی موجود بیشتر عمل گراتر باشند و به دنبال فعالیت در اجتماعات محلی باشند و در کل باعث شده که این زنان از سطح کیفیت زندگی بهتری برخور باشند. این یافته با نتایج تحقیقات متعددی از جمله زاهدی (۱۳۸۷)، شادی طلب (۱۳۸۷)، غفاری (۱۳۸۵)، ماجدی (۱۳۸۵)، روت (۲۰۰۷)، دیویس (۲۰۰۶)، که معتقدند بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد هم پوشانی‌دارد .اندیشمندانی همچون آلانگ (۲۰۰۰)، پاتنام (۲۰۰۰)، کوثری (۱۳۷۷)، پاتنام (۱۳۸۰)، گروتارت (۲۰۰۰)، فوکویاما (۱۳۸۴)، کرامب (۲۰۰۴) و ازکیا و فیرو زآبادی (۱۳۸۳)، معتقدند که وجود تشکل های مختلف اجتماعی و عضویت در آنان سبب افزایش سرمایه اجتماعی افراد می شود. با توجه به یافته های پژوهش زنان عضو در تشکل های روستایی از سرمایه اجتماعی بیشتر نسبت به دیگر زنانی که عضو این تشکل ها نیستند برخوردار می باشند که با نتایج بیان شده همسویی دارد. کیفیت زندگی زنان روستایی عضو تشکل های روستایی نسبت به زنان غیر عضو از سطح بالاتری برخوردار است . با توجه به این یافته می توان چنین نتیجه گرفت که وجود تشکل های روستایی و ترغیب زنان به عضویت در این تشکل‌ها می‌تواند میزان کیفیت زندگی زنان را افزایش دهد. نتایج مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان عضو وغیر عضو نیز گویای آن است که بین میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان عضو وغیر عضو اختلاف معنی داری در حد ۵ درصد وجود دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

به طوری که زنان عضو از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند و به طبع آن از نظر کیفیت زندگی در سطح بالاتری نسبت به زنان غیر عضو قرار دارند. با توجه به این که اکثر زنان روستایی مورد مطالعه مسن و دارای سطح سواد پائین هستند و این ویژگی‌ها، غالبا تغیر ناپذیرند و می‌توانند از دلایل مقاومت زنان روستائی در پذیرش عضویت در تشکل‌های روستایی باشند، لذا پیشنهاد می‌شود که ماموران تغییر (مروجان) در جامعه روی مولفه‌های سرمایه اجتماعی زنان، از جمله ظرفیت پذیرش تفاوت ها، مشارکت و عملگرائی در بافت اجتماعی برای کاهش اثرات منفی این ویژگی‌ها در جهت پذیرش عضویت در تشکل های روستایی بیش‌تر تمرکز کنند. با توجه به اینکه مولفه ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه های سرمایه اجتماعی زنان عضو تشکل های روستایی در جامعه آماری مورد مطالعه است، پیشنهاد می‌شود که عاملین ترویج و ماموران تغییر برای ترغیب بیشتر زنان که تا به حال عضو تشکل های روستایی نشده اند، با تشکیل جلسات مکرر و شرکت در آن‌ها و شنیدن رای و نظر آنان و سهیم نمودن آنان در تصمیم‌گیری‌ها، مولفه پذیرش ظرفیت تفاوت‌ها و جمع‌گرایی را در زنان غیر عضو بهبود دهند که در نهایت باعث پذیرش عضویت در تشکل های روستایی شود .

۶) منابع

- ازکیا، مصطفی.، و فیروزآبادی، س.ا (۱۳۸۳)، **سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکل‌های تولیدی، مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه**، مجله جامعه شناسی ایران، سال ۵، شماره ۴، صفحات ۴۵-۵۴.
- احمدی فیروجائی، م.، صدیقی، ح (۱۳۸۵)، **مقایسه مولفه های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیر عضوتعاونی های تولید روستایی**، فصلنامه رفاه اجتماعی،سال ششم، شماره ۲۳، صص ۹۳-۱۱۲.
- رضائی،خ (۱۳۸۳)، **بررسی راه کارهای جلب مشارکت اقتصادی اجتماعی زنان روستائی با تاکید بر نهاد های سنتی مطالعه موردی شهرستان سواد کوه**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه الزهرا، تهران.
- زرافشانی، ک.، خالدی، خ (۱۳۸۸)، **تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی ترویجی بر اساس نردمان مشارکت شری ارنستین**، فصلنامه پژوهش زنان، دوره۷، شماره ۳، ص ۱۰۷- ۱۲۸.
- پاتنام، ر (۱۳۸۰)، **دموکراسی و سنت های مدنی**، ترجمه محمد نقی دلفروز،تهران ، انتشارات روزنامه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

سلام،چاپ اول،ص ۸۴- ۸۷.

- پورطاهری، م.، رکن الدین افتخاری، ع (۱۳۸۹)، **ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستائی. مطالعه موردی دهستان خاوه شمالی، استان لرستان** .فصلنامه پژوهش جغرافیا انسانی، شماره ۷۶، ص ۱۳- ۳۱.
- فوکو یاما، ف (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی،در سرمایه اجتماعی، اعتماد دموکراسی و توسعه**، ترجمه کیان تاجبخش، تهران انتشارات شیرازه، چاپ اول، ص ۳۴- ۳۶.
- کوثری، م (۱۳۷۷)، **بررسی تاثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان استان خراسان در فعالیت های عمرانی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرسف دانشکده علوم انسانی.
- علی بیگی، ا.، بنی عامریان، ل (۱۳۸۸)، **عوامل دموگرافیکی موثر بر مشارکت زنان روستائی در برنامه های ترویجی، مطالعه موردی شهرستان سنقر و کلیائی**، فصلنامه اجتماعی روانشناسی زنان، سال۷، شماره۲ صص ۱۱۵- ۱۳۳.
- علی بیگی،ا.، علی آبادی، و (۱۳۸۸)، **سنجش سرمایه اجتماعی و بررسی تاثیر آن بر میزان ریسک پذیری کشاورزان کلزا کار شهرستان کنگاور** .مجموع مقالات اولین همایش ملی توسعه پایدار فرصت ها ،چالش ها، صص۱۴۲- ۱۲۴.
- حسینی نیا، غ.ح (۱۳۷۸)، **بررسی عوامل موثر بر انگیزه مشارکت زنان روستایی در فعالیت های آموزشی ترویجی**، ماهنامه جهاد، دوره۱۹، شماره۲۲۲، ص،۴۰ – ۵۰.
- زاهدی، م.ج.، ملکی،ا (۱۳۸۷)، **فقر و سرمایه اجتماعی**، فصلنامه رفاه اجتماعی،سال هفتم،شماره۲۸،صص ۷۹- ۱۰۶.
- شادی طلب، ژ.، حجتی،ف (۱۳۸۷)، **فقر وسرمایه اجتماعی در جامعه روستایی**، فصلنامه رفاه اجتماعی،سال هفتم، شماره۲۸، صص ۵۶- ۶۲.
- ماجدی،س.م.، لهسائی زاده، ع (۱۳۸۵)، **بررسی رابطه متغیر های زمینه ی، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال نهم،شماره۴، صص ۹۵-۱۳۵.

- Along. J. A. (2002). **Traditional institutions, social capital, and multi-institutional partnerships for agricultural development: Implications for a new extension paradigm**. AIAE, 5(1), 121-139.
- Bala, B., and Sharam, S.D. 2005 .**Contribution of tribal women in temperate horticulture**; VII international symposium on temperate zone fruits in the tropics and subtropics-part two.25 November 2005. Online at: http://www.actahort.org.
- Bartlett, J. E.; Kotrlik, J. W., & Higgins, C. C. (2001). **Organizational research:**

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

Determining appropriate sample size in survey research. Information Technology, Learning, and Performance Journal, 19(1): 43- 50.

- Ceyhan, V., Ozkan, B., Goldey, P.A., and Ediz, D. (2001) .**The socioeconomic characteristics of women in vegetable farming systems**. Journal of Turkish Agricultural Economics (6):14-24.
- Gangadharappa, N. R., Acker, D. G., Chengappa, P. G., Ganesamoorthi, S., Kumar, S., Sajeer, M. V., Shen, D. (2007). **Social capital and ability change mongindian farmers.** Retrieve from http://www.AIAEE.org /attachment/127-vol-14.2.
- Jethi, R. (2008). **Participation of Farm Women in Potato Production**. Indian Research Journal Extension Education). 8(1): 63-65.
- Onyx, J., Bullen, P. (2000). **Measuring social capital in fire communities**. Journal of Applied Behavioral science, 36(4), 23-42.
- Ozkan, B., Ediz, D., Ceyhan, V., and Goldly, P.A. (2000). **Women's role in vegetable farming systems in Antalya**, Turkey: a gender analysis of labor participation and decision making in the agricultural sector. Acta Horticulture 536, 419-437.
- Pal, A. K., Kumar, U. C. (2005), **Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal** Phillips, D, 2006, **Quality of Life: Concept, Policy and Practice**. London: http://www.joe.org/joe/2006december/rb5.php.
- Putnam, R. (2000). **Bowling Alone: the collapse and revival of American community**, Simon and Schuster, New York ability:http//www.jlr.org/contcnt/44/2/388/full.pdf 22.
- Santos, L.D., Martins, I. (2007).**Monitoring Urban Quality of Life**: The Porto Experience. Social Indicators Research, 80: 411–425.
- Sidhu, K. (2007). **Participation pattern of farm women in post harvesting.** TED. Home comm. SCI, (1(1):45-49. Volume xv, no 2.
- WHO Group, (1993) .**Measuring Quality of Life: The Development of the World Health Organization Quality of Life Instrument**. Geveva: World Health Organization. Wolf, Fredrick (1986): Meta-Analysis. Sage Publications.
- World Bank, (2004), **the World Bank and the Copenhagen Declaration:** Ten Years after. Social Development Department and Environmentally and Socially Sustainable Development.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]